

مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی، مقاله علمی - پژوهشی
دوره سوم، شماره‌ی دوم (پیاپی ۸)، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۵-۴۶

اندیشه دفاعی ایرانیان در مواجهه با جنگ مدرن (۱۲۴۳-۱۲۱۸ ه.ق)

محمد امیر احمدزاده*

چکیده

ایران در مواجهه با نبردهای ویرانگر روسیه تزاری در موقعیت تدافعی قرار گرفت. مسأله نوشتار پیش روی بررسی علل شکل‌گیری اندیشه دفاعی و ابعاد آن در روایت کنش‌گران فکری (مورخان، شاعران، عالمان دینی) دوره فتحعلی‌شاه قاجار است. دستاورد تحقیق با روش تحلیل تاریخی بیانگر آن است که یادآوری خاطره‌های قوی یا کهن الگوهای سرزمینی ایران برای بسط گذشته پر افتخار تاریخی و در راستای مواجهه با وضعیت انحطاط و عبور از بحران صورت گرفته است که این امر هم هوشیاری مخاطبان را نسبت به تهدید بیرونی برانگیزند و هم نمادهای سرزمینی-دینی را با هدف تأکید بر ضرورت دفاع از حدود و ثغور، بازتولید کنند. این سنخ از کنش‌های چندوجهی، آگاهی‌بخشی تاریخی را به مثابه یک پراکسیس اجتماعی (برنامه عمل) در شرایط بحران، به عنوان دال مرکزی اندیشه دفاعی برجسته‌سازی کرد. در نتیجه، موارد متعددی از نمادهای دینی-مذهبی در جنگ با کهن‌الگوها و واقعیت‌های روزمره تلفیق شدند. بازنمایی نگاه اسطوره‌ای، الگوهای تاریخی، قهرمان محوری، استناد و بهره‌گیری از متون مقدس مذهبی و دینی، طرح اهداف عالی انسانی در چهره سپاهیان اسلام هر یک انعکاس‌دهنده بخشی از ابعاد اندیشه دفاعی بودند که منابع معرفتی به طرح و انعکاس آنان پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: اندیشه دفاعی، جنگ مدرن، تاریخ‌نگاری، دوره فتحعلی‌شاه قاجار.

*استادیار پژوهشگاه علوم انسانی ahmadzadeamir20@yahoo.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳ |

۱. مقدمه

قرار گرفتن ایران در وضعیتی نابرابر با جهان قرن نوزدهم و دول قدرتمند روسیه تزاری و بریتانیا نقش مهمی در شکست‌های مکرر و تاریخی داشت که بسیاری از ابعاد اندیشه، فرهنگ، سیاست و جامعه ایران را تحت تأثیر قرار داد. در مطالعه میراث فرهنگی- تمدنی ایرانیان، جنگ‌ها و آثار متعدد فرهنگی، سرزمینی، و سیاسی آن از نمود و بازخورد اساسی برخوردارند به گونه‌ای که فتح‌نامه‌نویسی در کتیبه‌های پیش از اسلام و مواردی نظیر فتوح البلدان‌ها، مغازی‌ها در عصر اسلامی، بیانگر ابعاد و آثار و نوع رویکردها به جنگ و تقابل نظامی هستند. جالب این که بخش عمده‌ای از کنش‌های سیاسی حاکمان قرون متمادی در قالب سفرها و لشکرکشی‌های جنگی، جهادنامه‌ها بوده است و از این حیث، بخش مهمی از مباحث متون تاریخ‌نگاری، ادبی، و دینی را جنگ‌نامه‌ها تشکیل داده‌اند. هدف تحقیق حاضر آن است که ضمن بررسی متون ادبی، تاریخ‌نگاری و فتاوی دینی دهه‌های حکومت فتحعلی‌شاه قاجار، به کشف ابعاد شکل‌دهنده اندیشه دفاعی در ذهنیت ایرانیان بپردازد که در مواجهه با تلقی دنیای مدرن از جنگ و کنش نظامی مترتب بر آن قرار گرفته است. آنچه که در پرتو منابع معرفتی و متون نوشتاری ادوار گوناگون بدست می‌دهد بیانگر آن است که ایرانیان از سقوط صفویه تا حکومت قاجاریه از وضعیت تحولات دنیای بیرونی بی‌اطلاع بوده و با بحران فروپاشی تمرکز قدرت و تقسیم سیاسی قدرت در ممالک فلات ایران مواجه بوده و در سال‌های آغازین قرن نوزدهم کم‌ترین آگاهی از جنگ مدرن نداشتند. تلاش‌های شاه عباس اول صفوی و اقدامات نادرشاه در به کارگیری ابتدایی‌ترین تجهیزات نظامی از جمله زنبورک‌چی، به معنای غلبه فکر و جریان تشکیل ارتش مجهز و مدرن نبوده، بلکه به مثابه اقداماتی مقطعی و محدود، قابل تفسیر است که از بسترهای تحول علمی، و یا تغییر در اندیشه جنگی حاکمان برخوردار نبود. بر این اساس، شکست‌های سریع آنان در رویارویی با ارتش مجهز و مدرن روسیه تزاری به مثابه یک شوک عظیم و رخدادی غیرقابل باور، قلمداد شده که ذهنیت برخی از شاهزادگان قاجار به ویژه عباس‌میرزا را برای بررسی ریشه‌ها و علت‌شناسی شکست و انحطاط ایرانیان، فعال نمود.

مسأله نوشتار حاضر بر تأثیر رخدادهای قرن نوزدهم در تطور اندیشه دفاعی- جنگی ایرانیان متمرکز است و علت‌شناسی این تغییرات را در ارتباط با تغییرات و دگرگونی در تلقی از جنگ از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله روحانیون، نظامیان، و برخی

شاهزادگان آگاه و دوراندیش قاجار می‌کاود که با این رویکرد تحقیقی در باب موضوع حاضر، انجام نشده است.

۲. چالش‌های اندیشه جنگی در پرتو غلبه رویکرد ایلی به جنگ (عصر تأسیس قاجاریه)

جنگ به عنوان پدیده‌ای کهن در اثر نزاع گروه‌های اجتماعی با هم شکل گرفته است و از آن به منظور نیل به اهداف گوناگون بهره گرفته شده است. در بررسی نبردهای کهن در تاریخ ملل، می‌توان به نقش دو انگیزه مهم در پیشبرد جنگ‌ها اشاره کرد: الف) جنگ با هدف توسعه قلمرو سرزمینی و سیطره سیاسی- نظامی؛ ب) جنگ با هدف دسترسی به امکانات اقتصادی گروه اجتماعی مقابل (از جمله تسخیر الوس‌ها و یورت‌های مناسب و مورد نیاز جمعیت ایلی).

جنگ برای کسب غنایم و نیز جنگ برای ثبت مفاخر قومی را می‌توان در چارچوب تلقی ایلی- قومی از جنگ به موارد دیگر افزود. جنگ در تلقی ایلی مجموعه‌ای از یورش‌ها و راهزنی‌ها و تهاجم ناگهانی برای کسب غنایم است. این جنگ‌ها با حمله ناگهانی جنگجویان یک قبیله به قبیله دیگر با هدف غارت اموال و اشیاء ذی قیمت صورت می‌گرفت. متفکران این عرصه به منظور تفسیر علمی این نوع از تنش‌ها معتقدند که: به طور کلی زندگانی بادیه، زندگانی زد و خورد است و جنگجویی بی‌باک، تیراندازی ماهر و سواری چالاک بار می‌آید (امین، ۱۳۳۷: ۲۳/۱). در این نوع از جنگ‌ها، زنان و کودکان از صحنه جنگ به دور نبودند؛ بلکه در معرکه جنگ در توان خود حضور داشتند و در شرایط شکست و پیروزی از وضعیت متأثر می‌شدند. از دلایل وقوع جنگ‌های قومی- قبیله‌ای می‌توان ساختار و نظام قبایلی را برشمرد که شجاعت و دفاع از قلمرو در میان مردان جنگی آن وجود داشت و بعضاً کمبود منابع مورد نیاز برای زیست ایلی و مراتع و توسعه‌طلبی باعث به حرکت درآمدن آنان می‌شد. گاهی نیز اقدام به جنگ بنا به جمعیت کثیر جنگجویان ایل و با هدف ثبت افتخار با دستیابی به فتوحات صورت می‌پذیرفت.

در رویکرد ایلی به جنگ عمدتاً به ستایش از توانایی فیزیکی جنگجویان و ذکر سلسله نسب قومی و خاندانی آنان تمرکز شده است. این ویژگی برآمده از ادبیات کلاسیک است که حماسه‌های خلق شده را با فیزیک قهرمانان جنگی از جمله بر و بازو، شانه و فراخی

سینه و گردن، قدرت بدنی، یال و کوپال، سرپنجه‌ها، تیزبینی و چالاکي، و مهارت در فنون توصیف کرده‌اند. برخی از ویژگی‌های جنگ در رویکرد قومی-ایلی را می‌توان به شرح ذیل تحلیل کرد:

در گذر تاریخ، اقوام و قبایل از جنگ به مثابه جشن بهره می‌برده‌اند؛ این به آن معنا است که جنگ همچون جشن دارای کارکردهایی مانند تحکیم همبستگی گروه‌های ایلی و اجماع ملموس و محسوس اعضای آن می‌شده است. از سوی دیگر، جنگ‌ها همچون جشن‌ها با خرج و ولخرجی همراه بوده است به گونه‌ای که لباس‌ها و آلات نظامی تجدید می‌شده و هدایا به قهرمانان جنگی داده می‌شده است. در جنگ همچون جشن‌ها بسیاری از قواعد اخلاقی زیر پا گذاشته می‌شد. جنگ با قربانی کردن حیوانات و جشن همراه بوده است. علاوه بر این موارد، جنگ به نوعی باعث سرگرمی می‌شده و بسیاری از دغدغه‌ها را عوض می‌کرده و یا از بین می‌برده است. در واقع، مجموعه این رخدادها همسان باعث می‌شده تا از جنگ به مثابه جشن، استقبال خوبی صورت بگیرد (بوتول، ۱۳۷۴: ۵۵-۵۷). بسیاری از جنگ‌های رخ داده در ایران از منظر رویکرد جنگ قبایلی قابل تفسیر است که از جمله جنگ «دندانقان» تا جنگ «چالدران» و مواردی از این دست را می‌توان جنگ‌هایی دانست که ویژگی قبایلی و ایلی در مواجهه با دشمن را بروز و نمود عینی بخشیده است. عمده هویت غالب در رویکرد حکام اول قاجاریه مبتنی بر هویت قومی و ایلی بوده است و به گونه‌ای در برجسته‌سازی نمادهای هویت مذکور اقدامات زیادی از سوی آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه صورت گرفته است (تکمیل همایون، ۱۳۹۲: ۶۴-۵۹). بنا به این نوع روایت، قاجارها در قرن‌ها پیش از سلطه و تأسیس حکومت در ایران توانسته بودند در ائتلاف‌های قدرت از جمله در دوره صفویه شرکت کنند و سهمی از آن را نیز بدست آورند. آنان پس از تثبیت قدرت خود در دوره صفویان واحد اجتماعی خود یعنی ایل را در پیوند با حرکت‌های سیاسی قرار دادند. روایت غالب منابع دست اولی که در دوره فتحعلی‌شاه شکل گرفته‌اند، تأکید بر پایگاه ایلی قاجار است (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۵؛ دنلی، ۱۳۵۱: ۶؛ خاوری، ۱۳۸۰: ۲۰/۱) که در این راستا چند نوع انتساب آنان به ریشه‌های تاریخی مطرح شده است. برخی از منابع به ریشه جلایری حکام قاجار معتقدند و گروهی آنان را از نسل سادات صفوی برشمرده‌اند. برخی نیز با یک تبارشناسی عمیق تاریخی بر این باورند که قاجارها از نسلی به مراتب قدیمی‌تر برخوردار بوده و نسب به «یافت بن نوح» می‌رسانند (تکمیل همایون، ۱۳۹۲: ۶۵-۵۹). مجموعه این روایت‌ها با

توجه به اهمیت قدمت و کهن بودن ایلات و تأثیر آن بر تبار و مقبولیت اجتماعی تولید شده‌اند و بیشتر بر کارکرد اجتماعی این نوع روایات تأکید شده است تا بررسی میزان صحت و سقم آنان. دسته‌بندی قشون در ساختار ایلی اولیه حکومت قاجارها بر اساس تفکیک‌های نژادی، زبانی و ایلی صورت می‌گرفت و سپس با اخذ الگوهای جدید نظامی برای تجهیز و نو شدن قشون تلاش بر آن شد تا ضمن دائم شدن حضور سربازان در پادگان‌ها به ترکیب هویتی مختلطی اقدام گردد و مقدمات شکل‌گیری یک ارتش ملی فراهم گردد. قاجارها به منظور تثبیت هویت قومی خود تا پیش از تلقی جهادی از جنگ‌ها بر آن بودند تا به روش‌های گوناگون، مقبولیت هویت قومی خود را از طرق مختلف به اثبات برسانند؛ از جمله بنا به تقریرات فتحعلی‌شاه و تحریر میرزا ابوالقاسم قائم مقام در «شمایل خاقان» و نیز تحریر میرزا تقی علی‌آبادی در «ملوک الکلام»، ریشه مغولی خاندان قاجاریه مورد تأیید قرار می‌گیرد و منابع تاریخ‌نگاری دیگر نیز به تأیید این مسأله پرداخته‌اند (ساروی، ۱۳۷۱: ۴۵؛ هدایت، ۱۳۸۵: ۶۱).

ویژگی غالب جنگ‌های ابتدای حکومت آقامحمدخان مبتنی بر غلبه رویکرد ایلی به جنگ بود. در این شرایط، آقامحمدخان به عنوان فرزند ایل به تهور و جسارت مشهور بود و بنا به سنت ایلی به اعمال حداکثر خشونت نسبت به مغضوبان اقدام می‌کرد تا کسی پس از او به اقدام مشابهی در عصیان و نافرمانی مبادرت نکند. از سوی دیگر، روش حملات نیز مبتنی بر الگوی ایلی با حملات نامنظم یا حمله-عقب‌نشینی و مکر زدن به رقبای و کشاندن آن به تله‌های جنگی استوار بود. در دوره آقامحمدخان عمده لشکرکشی‌های با یک ساختار تشکیلاتی ایلی و چابک صورت می‌گرفت که سه ساختار اصلی قدرت آقامحمدخان را حاکم نظامی (خود)، رئیس لشکر (رئیس و گردآورنده قشون)، و مستوفی الممالک (گردآورنده تدارکات مالی) تشکیل می‌دادند. اگر چه آقامحمدخان غالباً متأثر از روحیه ایلی والگوی متناسب با آن بود؛ اما در نامه‌اش به حکمران عثمانی هم ایران دوستی او محرز است و هم ذهنیت مذهبی و ذکر روایات آیات قرآن به تناسب بحث به خوبی موج می‌زند. به تدریج، آقامحمدخان با روایتی ایرانی مورد توصیف قرار گرفته و اقدامات او در احیای حدود و ثغور جغرافیای ایران مورد تقدیر قرار گرفته و فتحعلی‌شاه قاجار در ستایش از آقامحمدخان می‌سراید:

همانا انوشیروان زنده شد که بیخ ستم از جهان کنده شد
کیومرث تا تاج بر سر نهاد چنین پادشاهی ز مادر نژاد
چو آید به میدان کین روز جنگ منوچهر چهر است و آرش خدنگ
(فتحعلی شاه، ۱۳۷۰: ۳۵۰)

۳. ابتناء اندیشه دفاعی ایران بر روحیه دینی و احیاء آن در عصر جنگ با روسیه تزاری

ادبیات این سنخ از اندیشه جنگی بر متون و منابع دینی از جمله جهادیه‌ها، جنگ‌های مذهبی، جهاد، و تعریف حرب مشروع استوار است. بازنمایی مفهوم و مسأله‌ی جنگ در هر رویکرد و باور دینی در قالب دوگانه‌ی^۱ «حق-باطل» و یا «خیر-شر» تعبیر و تفسیر می‌شود. این تلقی از جنگ بر قطعی بودن غلبه حقیقت بر باطل تأکید دارد. در اندیشه دفاعی مبتنی بر باورهای اعتقادی عمدتاً تکریم و بازنمایی ارزش‌های فرهنگی در زمان وقوع جنگ و تبیین کنش‌گران جنگی به مثابه قهرمانان فارغ از هرگونه نتیجه ملموس، مطرح است. در باورهای مسیحی تا قرن اخیر، حق فقط با یکی از طرفین جنگ است (بوتول، ۱۳۷۴: ۹۰). ممیزه اساسی موجود در متون تولید شده و باورمند به این نگاه آن است که به نوعی استحاله فرهنگی در ارزش‌ها دامن می‌زند؛ مثلاً اگر کشتن و کشته شدن در فرهنگ جوامع نوعی ضد ارزش تلقی می‌شود در این سنخ از متون تلاش بر آن است که نوعی توجیه اعتقادی-دینی برای کنش‌های مذکور صورت بگیرد. بدین ترتیب، از ارزش‌های دینی در قالب مفاهیمی همچون جهاد (کشتن باطل)، و نیز شهادت (کشته شدن در راه حق) سخن به میان می‌آید. مفهوم جهاد در تلقی اسلامی و متون متأثر از آن، در برگیرنده مفهوم و معنای جنگ است و جهاد مشروع از امداهای الهی برخوردار خواهد بود. هدف از این سنخ جنگ از سوی کنش‌گران، ترویج و توسعه اسلام، برقراری عدل و جلوگیری از ظلم تلقی می‌گردد. تفسیر از جنگ به مثابه مشیت الهی و یا تلقی از آن به عنوان ابزاری برای حفظ دین و دولت برآمده از کارکردهای آن در باور دینی است. رستم الحکما از نیرنگ روس‌ها سخن گفته و ایران را به بهشت و جسم پاک تشبیه می‌کند و می‌نویسد: «یا حضرت صاحب الزمان ادرکنی، ای غیرت جم؛ یا مهدی هادی جهان

^۱ . Duality

ادرکنی، از روی کرم؛ از فتنه این و شرّ آن ادرکنی، ای فخر امم» (رستم الحکما، بی تا: ۵۳).

در رویکرد دینی آنچه که روایت‌های جنگ و مقابله نظامی را توجیه می‌نماید، تأکید فرهنگ دینی بر پاسخ‌گویی تقابل ارزش‌ها و واقعیات است. در اسلام، تعلیمات لازم در خصوص سه نوع جهاد شامل تقیّه، جهاد تهاجمی و تدافعی مطرح شده است. جهاد تهاجمی را در باورهای اسلامی باید منطبق بر دستورات و احکام قرآن و با هدف نشر آیین اسلام انجام داد (نفیسی، ۱۳۸۴: ۷۳/۲). متفکران دینی در روایت از جنگ بر آنند تا به متون مقدس و دینی استناد نمایند و از روایات مربوطه جهت تفسیر هدف و سرنوشت جنگ و مجاهدان بهره ببرند. بخش مهمی از متون دینی که به عنوان منابع معرفتی نسبت به وضعیت جنگی و تکلیف عموم مسلمین معرفی شده‌اند در بردارنده مجموعه‌ای از نیایش‌ها در حفظ و نگهداری از مرزها و تکریم شجاعت در این راستا است. در این متون هرگاه از احتمال شکست در برابر دشمن دیو و دد سخن آمده از رویای صلح و صلح عادلانه و جنگیدن برای صلح سخن آمده است. در رویکرد رستم الحکما ستیز با استعمار به مثابه کنش ملی-دینی مطرح شده است و دست‌اندازی‌های دو قدرت روس و انگلیس به منابع طبیعی و مراکز سیاسی ایران تقبیح شده است. او با تمجید از عصر کریمخان زند در ابیاتی پرشور به بازنمایی داستان به دام افتادن گروهی از انگلیسی‌ها از سوی ایرانیان در خلیج فارس پرداخته است (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۴۰۵ و ۴۱۵).

اصلی‌ترین مفاهیم دفاعی در اندیشه دینی در حوزه‌ی «جهاد برای حفظ دین»، «وطن‌پرستی»، «قهرمان پروری»، «تفاخر به تمدن و فرهنگ گذشته»، و «تمنای آزادی‌های اجتماعی» است. دورنمای اندیشه مذهبی شیعه در طرح مفاهیم سمبلیک برای ترغیب به مقابله در نبردهای نابرابر به رخداد عاشورا و مواجهه امام حسین (ع) با لشکریان فراوان یزید متوجه می‌شد (بهبودی، ۱۳۷۱: ۳۳). در این رویکرد، تحلیلی فرهنگی از جنگ و نمادگرایی مقدماتی آن بر اساس باورهای بومی و دینی بوسیله گروه مومنان صورت می‌گیرد. ادبیات و متون مذهبی در این شرایط به ابزاری عمومی برای انسجام بخشیدن به گروه‌های متنوع اجتماعی عمل می‌کنند. عمده‌ترین نوع کنش این سنخ از ادبیات را که موجب به حرکت در آوردن توده‌های اجتماعی می‌شود، می‌توان در طرح اسوه‌ها و اسطوره‌ها، خارانیدن زخم‌های کهنه، طرح آرمان‌های دینی، تحریک حافظه ملی، و برجسته‌سازی مفهوم امت واحده ملاحظه کرد. روایت از صحنه‌های جنگ در ادبیات و

متون دینی با توصیف قهرمانان جنگی از گروه‌های مختلف اجتماعی همراه است. این روایت توصیف‌گر سربازان، گروه‌های اجتماعی، ایلات است. این توصیفات از کنش‌گران میدان جنگ با دو رویکرد «متافیزیکی» و «سمبلیک» از صحنه‌های جنگ همراه است. نقش نیروهای فرازمینی به همراه ذکر قهرمانی‌ها، نمونه‌هایی از این دو سنخ رویکرد است. قهرمانان جنگ در تفسیر میدان جنگ از آن به عنوان عرصه رویارویی با اهریمن یاد کرده‌اند.

یکی از نشانه‌های رویکرد دینی در جنگ، طرح انگیزه‌های مقدس برای پیشبرد اهداف جنگی است. هدف از این سنخ از جنگ‌ها به مسأله دفاع و رفع ظلم، فتنه، توطئه و تجاوز علیه مملکت اسلامی تبیین می‌شود. تأکید بر ماهیت دفاعی و عدم تهاجمی بودن اقدام نظامی بر این معناست که شهادت سربازان و مجاهدان اسلام، حکایت از مظلومیت آنان دارد. غلبه انگیزه‌های اسلامی و انسانی در رویکرد دفاعی از جنگ دینی- مذهبی مقدس به وجه بارز آن تبدیل شده است. در این خوانش، انگیزه الهی و معنوی، پیروزی را از آن سپاه اسلام می‌داند (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۰۲-۳۰۳). جنبه دفاعی جنگ و صیانت از سرزمین و دین در برابر تهاجم دشمن در این نوع رویکرد، ارزش تلقی می‌شود. به تعبیر قائم مقام فراهانی آمده است که علما در کتاب‌های جهادیه خطاب به مردم نوشتند: «بدانید که مقتول ثغور آذربایجان در دفاع اهل کفر و طغیان برای حفظ بیضه اسلام و مسلکین و حراست از ناموس مومنات و مومنین مانند شهدای کربلا است» (قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۹). روایت قتل «گریبایدف» در بیان شاعرانه خاوری شیرازی بیانگر ترکیب رویکرد دینی و ایرانی در مواجهه با دشمنان روسی است:

سفیر روس آن گریبایدوف اسم	بشد مقتول در ری از قضایا
کسی را نیست تقصیری در این کار	که خود انداخت زنگ اندر مرایا
از او پُر شد به مظلومان تطاول	وزو بس شد به دینداران خطایا
طمع در کارها می‌کرد بسیار	به هر کاری همی جستی بدایا
نمی‌دادی ثمر در وی عنایات	نمی‌کردی اثر در وی عطایا
شب و روز از جفایش مردمان را	برفتی بر فلک داد خدایا
برای قتل خود بس حرم مسطور	برون آورد ناگه از خفایا
پی تاریخ قتلش خاوری گفت	سفیر روس مقتول از بلایا

(خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۰۶)

ادبیات و متون متأثر از رویکرد دینی به جنگ غالباً بر چند محور اساسی در روایت‌های خود از جنگ تأکید دارند:

الف) مبنای تفکر و آرمان‌های این متون بر حقانیت و توجیه آن برای لشکریان اسلام استوار است. این رویکرد عمدتاً هر گونه تقابل بین خود و دیگری را در قالب مواجهه بین اسلام و کفر تعبیر و تفسیر می‌کند. جغرافیای عالم در این تلقی عمدتاً به دو جغرافیای کلان دارالاسلام (خودی) و دارالکفر (دیگری) تقسیم شده است. در توجیه حقانیت جهان خودی اغلب به بیان حجت و دلیل با هدف اقناع همه مخاطبان پرداخته شده است. طبعاً در این صفت‌بندی که از سوی اندیشمندان دینی جنگ ترسیم شده است، مخاطبان به حقانیت و حقیقت یک گروه در مقابل باطل بودن طرف مقابل صحنه می‌گذارند. ب) در اندیشه و متون دینی جنگ، مؤلفه‌ی اثرگذار در نیل به پیروزی و غلبه بر دیگری کافر از طریق شجاعت‌ورزی و رشد روحیه شهامت میان مجاهدان لشکر اسلام و ضرورت مقاومت فراتر از توان ابزار آلات نظامی بدست می‌آید. تحقیر دشمنان و توصیف صحنه‌های از توحش و روایت نبرد آنان در قالب تهاجم (نشاط اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۳۶)، در کنار ذکر عظمت و بزرگی لشکر خودی و تمجید از شجاعت و پهلوانی آنان از ویژگی‌های اندیشه و ادبیات دینی در خصوص جنگ است. ج) مسأله سوم در نحوه توجیه شکست‌های لشکر خودی است که با سوگواری و ذکر مصیبت‌های جنگ، تفسیر از دنیا به عنوان سرای ناپایدار و ... همراه است. د) رشد مفاهیم جهان وطنی دینی و آمیختن حس وطن‌پرستی با نمادها و نشانه‌های دینی در اندیشه و ادبیات رویکرد دینی به جنگ به گونه‌ای است که دو مفهوم وطن و دین (ایران و اسلام) همسنگ با هم در متون و منابع به کار رفته‌اند. قائم مقام فراهانی در تبیین وضع ایران در مواجهه با کفره بنی‌ازرق روس از گسیختگی حال و روز مسلمانان یاد کرده است (قائم مقام فراهانی، ۱۳۷۳: ۴۷). در این راستا، بخش مهمی از منابع به انعکاس نمادگرایی تاریخی پرداخته‌اند. هدف از این ترسیم نمادها، تلاش برای طراحی یک کهن‌الگو (آرکی تایپ) با هدف زنده شدن خاطرات قومی و برانگیختن هوشیاری مخاطبان است. این موضوع تا حدی پیش می‌رود که حتی قهرمانان عرفان اسلامی کسانی همچون منصور حلاج به عنوان الگویی قابل توجه برای مجاهدان و سربازان جنگ تصویر شده‌اند. در این نوع از تفکر جنگی، اساساً برتری اعتقادی یک عنصر مهم و کارآمد برای تغییر سرنوشت جنگ‌ها تلقی شده است. ه) از مهم‌ترین جلوه‌های اندیشه دینی به جنگ را می‌توان در بیان اندوه و ذکر سوگنامه

در وصف شهیدان از یک سو و توصیف قساوت و سبعیت دشمن از جهت دیگر، دانست. حزن و اندوه در بیان تخریب، ویرانی و کشتار ناشی از تهاجم دشمن دون در قالب بیان زیان ها و خسارات مالی و جانی به عنوان مصائب جنگ مطرح شده است (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۶: ۱۹).

در رویکرد ایرانیان دوره قاجار بویژه در مواجهه با روسیه تزاری، وجه دینی و تعریف مذهبی از جنگ‌ها بسیار پررنگ و اثرگذار بوده است. دو علت تداوم رویکرد دینی در اندیشه کنش‌گران جنگ دوره اول قاجار را می‌توان به این شکل برشمرد که از یک سو در خلاء هویت جامعی که بتواند همه گروه‌های اجتماعی ایران را به حرکت در آورد تلقی دینی از جنگ می‌توانست نوعی یادآوری تواریخ گذشته از فتوحات و جهادها را زنده نماید. از سوی دیگر، ایرانیان گرچه خود نیز آگاه بودند که در شرایط وقوع جنگ مدرن با روسیه تزاری قرار گرفته‌اند؛ اما تجهیزات همسان و برابری برای مواجهه نداشتند و در نتیجه‌ی قرار گرفتن در موقعیت جنگ نابرابر، همواره تلقی مقدس از جنگ می‌توانست به بسیج عمومی برای مواجهه ناهمسان کمک نماید و این امر امکان توفیق قطعی دشمن را تقلیل می‌داد. این مسأله با ارائه تعریف حق و باطل از دو جبهه جنگ در متون جهادیه‌ها انعکاس یافت و در خطبه‌های مساجد در شهرهای دور و نزدیک از جنگیدن در برابر کفار بنی‌ازرق روس هم شأن شمشیر زدن در رکاب امام حسین در روز عاشوراء یاد شده است (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۶: رساله نخست و رساله دوم).

۴. تداوم و تغییر در تلقی ایرانی از جنگ

آبشخورها و مبانی تلقی ایرانی از جنگ را می‌توان در متون ایران باستان و میراث تمدنی آن مشاهده کرد؛ آن‌جا که ضمن طرح موضوع جنگ با یک خوانش فرهنگی از آن به عنوان محل تصادم و تلاقی خیر و شر یاد شده است. در جبهه شر همه نیروهای اهریمنی قرار دارند و حقیقت وجودی خود را از دست داده‌اند. نیروهای خیر برآیند اراده‌آورامزدا هستند و انگیزه آنان از مواجهه سخت و جنگی با نیروهای شر همانا نبرد با دروغ‌پرستان و دروغ‌گویان است. از میان آیین‌های ایران باستان می‌توان مهر را به عنوان برانگیزنده جنگ و تداوم بخش آن یاد کرد. به باور عامه، مهر به شکافتن صفوف دشمنان ایران و حامیان شر در جنگ‌ها کمک می‌کند و در صفوف دشمنان وحشت می‌اندازد (صفا، ۱۳۶۹: ۱۱۳). اوج غلیان و تراوش رویکرد حماسی به جنگ را می‌توان در ادبیات ابوالقاسم

فردوسی در بیان مبارزه قهرمانان ایرانی با جغرافیای شرق ایران (انیران) دریافت. روایت‌های حماسی از جنگ‌های ایران پیش از اسلام فردوسی به معنای روایت شکوه و عظمت دوره پهلوانی و دوره پیشاتاریخی و پس از آن در خاطره جمعی ایرانیان است که در بیان و قلم فردوسی نمایان است (فردوسی، ۱۳۹۳: ۴/۳۸). در باورهای موجود در اوستا از هدف جنگ به عنوان تلاشی در راه کسب فره ایزدی نیز یاد شده است. این انگیزه مشخص، جنگ را اقدامی برای رسیدن و نیل به هدف والا و بلندمرتبه تفسیر کرده است. این نوع از جنگ را موجب از بین رفتن تباهی و غلبه حکومت نیکی و راستی برشمرده‌اند. ادبیات سمبلیک و شاعرانه متون ایران باستان با رویکردی حماسی به جنگ بر آن بوده‌اند تا به معرفی دو سنخ اندیشه در چهره مبارزان و کنشگران دو طرف جنگ پردازند؛ از یک سو، پهلوانان و شاهان ایرانی و کسانی همچون رستم، سهراب، کاوه و در سوی مقابل آنان، نمادهای شرارت و بدی و تاریکی در چهره کسانی همچون ضحاک، افراسیاب، اهریمن و اسفندیار به صف ایستاده‌اند. این تقابل دوسوی کارزار جنگ باعث می‌شود تا قضاوت مخاطبان را برانگیزد.

در روایت افسانه‌ای از این نوع جنگ‌ها غالباً بنا به سنت حماسه‌سرایی تلاش شده تا ضمن تحریک عواطف بر مفاخر کهن تکیه گردد. در واقع، اصلی‌ترین مبانی فکری مطرح شده در آثار حماسی را می‌توان در روایت‌پردازی از حضور قهرمانان و پهلوانان، انجام اعمال خارق‌العاده از سوی قهرمانان در میدان نبرد، فتوت و جوانمردی در جنگ برشمرد. «شهنشاهنامه» فتحعلی‌خان صبا بنا به الگوبرداری از سنت حماسی موجود در میراث تمدن ایرانی سعی بر آن داشته است تا روایتی شاهنامه‌ای را در توصیف جنگ‌های با روسیه تزاری در ابتدای قرن سیزدهم هجری برجسته نماید. در واقع، فتحعلی‌خان صبا به منظور تفسیر جنگ‌های نابرابر قشون موقت و نامجهز ایران در برابر ارتش مدرن و سراسر مجهز روسیه تزاری راهی جز پناه بردن به پیشینه و اعماق تاریخی با هدف تفسیر مقدس از نبردهای قشون خودی در برابر دیگری متجاوز و سلطه‌گر ندیده است. ممیزات اصلی هویتی که در رویکرد فتحعلی‌خان صبا مطرح شده است عبارتند از: وفور مفاهیم و نمادهای ایرانی باستان به عنوان مؤلفه وحدت‌بخش جغرافیایی و فرهنگی در شهنشاهنامه به اوج خود رسیده است. از سوی دیگر، صبا در نظم و نثر خود از روس‌ها به عنوان دیو و از ایرانیان به مثابه سروش یاد کرده است. او با احیای خاطره جمعی درفش کاویانی به تصویر کشیدن آن در میان سپاه فتحعلی شاه را به نظاره می‌نشیند و بیرق ایرانی باستان را

در دست قشون ایرانی دوره قاجار زنده می‌کند که همه این مؤلفه‌های ایرانی خود گواهی بر استمرار رویکرد ایرانی به جنگ است (صبا، ۱۳۴۱: ۲۵-۲۱). در نتیجه‌ی اقتباس این نوع نگرش است که روایت صبا از نحوه رویارویی ایرانیان با دشمن در دوره قاجار مبتنی بر تجلی عواطف و احساسات بشری اعم از احساسات دینی و میهن پرستی از یک سو، و حیرت و عشق و کینه و حسرت و ذکر اندوه درونی از جهت دیگر، است. در روایت ایرانی از جنگ شاهد احیاء و تأکید بر سرحدات سرزمینی ایرانی در منابع گوناگون هستیم به گونه‌ای که در تاریخ ذوالقرنین آمده است: «بدان که مملکت فسیح المساحت ایران ... طول این مملکت موافق حد و ستور قدیم از کوه قفقاز که اخر حد گرجستان و داغستان قرین به خاک روس است تا آخر حد کرمان متصل به دریای هندوستان می باشد. مسافت این طول به خط مستقیم سیصد و سی فرسنگ است و عرض این مملکت از ساحت جیحون تا کنار دجله بغداد به خط مستقیم دویست و سیزده فرسخ» (خاوری، ۱۳۸۰: ۱۳). در رویکرد حماسی و دینی به جنگ، عمدتاً تحلیلی مبتنی بر موارث فرهنگی از جنگ برجسته‌سازی شده است. فرآورده‌های فرهنگی در این سنخ از جنگ‌ها در قالب احیاء ادبیات جهاد و دفاع و نیز بازنمایی سمبلیک ارزش‌ها و نمادها افزایش می‌یابد.

۴-۱. طرح شکوه سعادت ادوار گذشته

بررسی و علت‌شناسی انحطاط ایران در عصر جنگ‌های با روسیه تزاری با ریشه‌شناسی ادوار شکوه و عظمت سرزمینی همراه بود. در این روایات، بارزترین وجوه ایرانیان را تهور، دلیری و شجاعت نظامی شکل داده که از آن برای مبارزه با دو مسأله؛ تقابل با تهاجمات خارجی، و رویارویی با ظلم داخلی، بهره گرفته‌اند. تمرکز ایرانیان بر وجوه بارز پهلوانی و توانایی‌های فردی باعث غفلت آنان در بهره‌گیری از علوم مدرن در تجهیز و توسعه صنعت جنگ و مبارزه بود.

افتخار به ایران باستان و گذشته‌های باستانی و تأسف خوردن به اقتدار از دست رفته ایران در روایت متون و منابع انعکاس و بازخورد مهمی یافته است. در این خصوص مهم‌ترین ممیزات مورد توجه در توصیف ایرانیان قدیم شامل دلیری در جنگ، و شجاعت، توجه اندک به علوم و صنایع و تحقیر مهاجمان اشاره شده است (میرکیایی، ۱۳۹۶: ۸۷). روایت شاعران و مورخان در جستجوی قهرمان در عصر خویش نوعی یأس را باعث شده و آنان را به اوج درماندگی می‌رساند. طرح ممیزات فرهنگی جامعه ایران،

قهرمان‌گرایی، باستان‌گرایی و ترکیب اسلام و ایران از جمله نمادهای احیاگر رویکرد ایرانی به جنگ‌ها در نگاه مورخان و منابع ادبی دوره اول قاجار است. تکیه به حدیث نبوی «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» برای توجیه دینی عشق به وطن از اقدامات کنش‌گران فکری و فرهنگی دوره قاجار بوده است. جنگ با ممالک بنی ازرق روس که دیگر دینی متخاصم بودند نقش مهمی در هم‌نوایی و همدردی دوگانه‌ی ایرانی-اسلامی داشته است. شاعران و مورخان کوشیده‌اند که در موارد متعدد از آیین مسلمانی در کنار عشق به وطن را روایت نمایند که بدین ترتیب چتری وسیع و تا حد امکان جامع برای ایجاد کنش‌گری مردمان در شرایط عصر بحران جنگ با عالم جدید دست یابند. علائم و شعائر شیعی و بویژه سمبلیسم «عاشورا» و «امام حسین» نیز از نمادهای بازیافته در متون این عصر است. ادیب الممالک می‌سراید:

دانی که حفظ دین و وطن بهر مرد حق فرض است آنچنان که طهارت صلوه را
(ادیب الممالک، بی‌تا: ۱۰)

حس ملی و غیرت دینی در کنار هم تعریف شده به گونه‌ای که دفع کفر کفار روس را نصرت اهل اسلام و حفظ رأیت دین و مذهب بشمارند.

۲-۴. برجسته‌سازی نشانه‌های فرهنگی ایران باستان

در رویکرد مورخان و شاعران ایران دوره قاجار شاهد آن هستیم که نوعی رستاخیز عظیم ادبی در بازآفرینی سمبل‌ها و نمادهای اسطوره‌ای-تاریخی از ایران باستان صورت می‌گیرد که هدف عمده آن بهره‌گیری از آنان برای بازسازی وضعیت شکست خورده معاصران است. در رویکرد شاعر رسمی صدر قاجاریه، یعنی فتحعلی‌خان صبا، شاهد آن هستیم که نمادهای ایران باستانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. او به معرفی سمبل‌های فرهنگی ایرانیان در مواجهه با وضعیت بحرانی ایران نیمه اول قرن نودم پرداخته است. فتحعلی‌خان صبا در شاهنشاهنامه که نوعی یادآوری از شاهنامه فردوسی و بحران هویت قرون اول هجری است بر آن بوده که نمادهای فرهنگی همچون درفش کاویانی، آذرگشسب، برای تفسیر و تبیین وضعیت‌های جنگی در جبهه‌های ایران و روسیه تزاری به کار گیرد. زبان و ادبیات فارسی به عنوان عنصر مهم و قوام بخش هویت فرهنگی و سمبل مهم ایرانییت از سوی مورخان و شاعران مورد توجه جدی قرار گرفته است (توکلی طرقی، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۷).

نوروز و جشن‌های فرهنگی ایران باستان نیز در این رستاخیز فرهنگی و ادبی در ایران نیمه اول تاریخ قاجاریه از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند؛ از اقدامات قابل توجه فرهنگی ایرانیان تلاش برای شبیه‌سازی پدیدارهای تاریخی و قهرمانان داستان‌های گذشته با رخدادهای تاریخ دوره قاجار است. شاعران در این رابطه در همانندسازی قهرمانان خودی با پیشینیان و تشبیه دشمنان به سمبل شرّ و بدی قلم‌فرسایی کردند. در واقع، چهره‌های مثبت جنگ‌ها را با اسطوره‌های ایرانی و اهورایی و دشمنان را با سمبل‌های اهریمنی ایران باستان مقایسه می‌کردند. چهره‌های مثبت با سیاوش و کیخسرو و رستم، و روس‌ها را با دیو سپید و اسکندر و ... بازسازی شده‌اند. در دوره فتحعلی‌شاه کسان‌ی همچون *سلطان الواعظین* در خصوص شیوه‌های تسلط بریتانیا بر هند به طرح دیدگاه پرداخته و به ایرانیان هشدار هم داده بودند (حائری، ۱۳۸۰: ۴۵۳).

روایت شاعران به برانگیختن احساسات مردمی در مقابل تجاوزات خارجی محدود نیست؛ بلکه علاوه بر شمردن مسائل مربوط به این مسأله، سعی بر آن شده تا مسأله کاستی‌های جامعه ایرانی به مثابه عامل و مؤلفه‌ای مهم در جسارت و دلیری بیگانگان به خاک و استقلال ایرانی منجر شد. در واقع، پرداختن به علل درونی مسائل ایران در کنار تغییر و توسعه نگاه دول قدرتمند روس و انگلیس بیانگر نوعی تلاش برای درک جامع‌تر از علل بحران است. ادیب‌الممالک به تصور بیگانگان که از ایران به خواب رفته و ایران مرده سخن می‌گوید و این تلنگرها را یادآور می‌شود:

به ایرانیان روس بیداد کرد	گمانش که ایران تهی شد ز مرد
چو بیشه تهی ماند از نره شیر	شغالان درآیند در وی دلیر
تن خفته را مرده پنداشتند	پدید آمد آن کآرزو داشتند
شبیخون زدند دزد مر خفته را	کند سخره فرزانه آشفته را
تنی را که جنبش ندارد ز خویش	ندانند بد از خوب و اندک ز بیش
چه بر خاک باشد چه بر تخت عاج	چه در گور خسبد چه اندر دواج

(ادیب‌الممالک، بی‌تا: ۶۵۰)

۳-۴. انعکاس سوگواری بر خرابه‌ها و بیان عواطف فرهنگی و اجتماعی

انتقاد از وضعیت ایران و شرح نواقص و سوگواری بر ویرانی‌های ناشی از جنگ‌ها را می‌توان یکی از مهم‌ترین رویکرد شاعران و مورخان در طرح مسائل برشمرد. این روایت‌ها حتی گاه با نوعی تصویرپردازی جزئی‌نگرانه از این مسائل را انعکاس یافته است. در روایت برخی از کنشگران ادبی و مورخان شاهد تحلیل بیولوژیکال از پدیدارهای تاریخی از جمله توجه به «مادر وطن» هستیم. این رویکرد دربردارنده‌ی روایات و تحلیل دقیق و جزئی از نابسامانی‌ها و موانع و مشکلات ایران است. در بیان شاعران و مورخان این عرصه به دلایل تباهی از جمله جهل عمومی، بی‌خبری از حال خود و جهان، اشاره کرده‌اند. همچنین، به چهره مثبت فرنگ از جمله علم، صنعت و معرفت نیز تمرکز نموده‌اند. در واقع، این نگرش ضمن گفتن و بیان دردها و طرح درمان‌ها بر آن بوده که تغییرات مهمی در رویکرد و ذهنیت مورخان و شاعران صدر قاجار در آسیب‌شناسی مسائل را نشان دهند. طرح علل انحطاط ایران در این منابع برای اولین بار صورت گرفته و بدگویی از رذایل اخلاقی همچون خیانت‌ها و ... به نوعی نشان دادن تنزل منزلت مردمان عصر رخدادهای است. اغراق‌گویی از جمله‌ی ممیزات فرهنگی است که در منابع انعکاس یافته است. روایت از قتل پاسکویچ و گریبایدوف و ذکر شجاعت‌های جوادخان گنجه‌ای را می‌توان در نگاه ایرانی به قهرمانان جنگ مشاهده کرد (خاوری، ۱۳۸۰: ۱۹۴).

نقد شرایط و مؤلفه‌های منفی اخلاقی- فرهنگی جامعه نیز بتدریج مورد توجه قرار گرفته است. نقد اخلاق عمومی جامعه و تبیین شرایط، انحطاط اخلاقی جامعه به عنوان یکی از محورهای مهم در کلام و ادبیات مورخان و شاعران مشهود است. در لابلای برخی از متون و منابع می‌توان دید که به مسأله تنزل منزلت و کرامت انسانی به عنوان ریشه رشد بسیاری از رذایل اخلاقی و فرهنگی اشاره شده است که انسان عصر زوال از اقدام به هر گونه از کنش‌های ناپسند و زشت اجتناب نمی‌کند. در شرایط پس از جنگ به تدریج، مسأله انحطاط و پرداختن به آن به عنوان مسأله عمومی، موضوعیت پیدا کرد. شرایط و وضعیت انحطاط در نگاه این ناظران هم عصر واقعه در قالب رشد ظلم و ستم حکام، ستم‌پذیری مردم، سوء تدبیر رجال مملکتی، دخالت خارجی، شباهت‌جویی به بیگانه، فساد در دستگاه اداری مطرح شده است. این گزاره‌های مهم تدریجاً و در قالب اشاراتی در زبان شاعرانه طرح شده است.

مؤلفه‌های فرهنگی که در روایت مورخان و شاعران دهه‌های آغازین دوره قاجار رخ داده عبارتند از:

الف) برخی مورخان و شاعران از جمله خاوری شیرازی، ساروی، وقایع نگار مروزی، رستم الحکما، خاقانی و وصال شیرازی به یادآوری کیومرث و هوشنگ به مثابه سمبل‌های ایرانی و قهرمانان باستانی سعی در تبلور خلاقیت در اذهان عمومی آنان داشتند. همچنان که اشعار خاقانی، مبارزات بزرگ مردم شروان و عزم راسخ آنان را به تصویر کشید (کندلی، ۱۳۷۴: ۴۸۲ و ۴۸۷؛ خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۸/۱ و ۵۳۲).

ب) در رویکرد فتحعلی‌خان صبا شاهد بازخورد مؤلفه‌های فرهنگی ایران باستان، بویژه در اثرش بنام *شهنشاهنامه* هستیم. او بر آن شده تا از مؤلفه‌های هویت باستانی ایران به وفور بهره گیرد و مفاهیم مذکور را با عناصر مشابه به ذهنیت مخاطبان تقریب نماید. او از طرف پادشاه قاجار سفری به آذربایجان کرد و در سفر شاه برای شرکت در جبهه جنگ با روسیه، نیز همراه او بود. او در شعر خود به موضوع سلاح‌های جدید نظامی در جنگ روسیه با ایران پرداخته است (صبای کاشانی، ۱۳۴۱: ۲۵۲).

ج) تلاش برای ساده‌نویسی فارسی و پرهیز از عربی‌نویسی و ثقیل‌نویسی منشیانه تا حدود زیادی از دوره فتحعلی‌شاه مطمح نظر واقع شد که بیانگر خودآگاهی از هویت زبانی و تلاش در برجسته‌سازی آن بوده است. مفهوم و مسأله ایران، موضوع مهم شعر و نثر قرار می‌گیرد و تلاش برای واقعه‌نگاری و تقدم آن بر نقش فراتاریخ در وقوع پدیدارها انعکاس بیشتری یافت.

د) تفکیک جغرافیایی و فرهنگی ایران از ممالک اطراف و اکناف و تاکید آگاهانه بر آن بیانگر وقوع تغییراتی مهم در جهان‌بینی مورخان و شاعران عصر قاجار بوده است. رستم الحکما و وصال در سروده‌های خود سعی در برجسته‌نمایی عشق به ایران و آب و خاک و سرزمین کرده‌اند (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۱۹۳؛ وصال، ۱۳۷۸: ۷۴). در نتیجه این درک جغرافیایی و استراتژیک از موقعیت ایران بود که مورخان و شاعران نسبت به اسلاف خود بیشترین آگاهی را از سرزمین خود داشته و نگاه مقایسه‌ای و مهمی را نسبت به اطراف پیدا کردند.

۵- طرح خوانش مدرن از جنگ در ایران؛ علل و آثار آن

طرح مفاهیم هویتی جدید بویژه در شرایط جنگی از ممیزات ادبیات فرنگ در عصر مواجهه ایران و غرب است؛ از ابتدای قرن نوزدهم و به دنبال غلبه رویکرد واقع‌گرایی در جنگ، ادبیات اندیشه دفاعی مملو از مفاهیمی شد که عمدتاً از جنگ به مثابه یک

رویاری زمینی تعبیر می‌کردند و آثار فاتح و مغلوب را در قالب پیروزی و شکست‌ها در از دست دادن سرزمین‌ها و حس حقارت برای مغلوب و کسب غنایم و توسعه و گسترش قلمرو سیاسی برای فاتحان ارایه می‌دادند. در این شرایط عمدتاً مفاهیم وطن‌پرستی، رشد اندیشه ناسیونالیستی و طرح حدود و ثغور جغرافیای سیاسی خود، تأکید بر ضرورت اخذ هنر صنعت جنگ از ممالک فرنگ برجسته‌سازی شده است. رشد مفاهیم جنگی خارج از گفتمان دین به معنای غلبه رویکرد عینی‌گرا به مسأله جنگ است. این مفاهیم عمدتاً برآمده از رویکرد ملیت‌پرستی و ناسیونالیسم و غلبه آن بر زمینه‌های فکری مذهب تشیع بوده است. در تلقی واقع‌گرایانه و مدرن از جنگ، شرط لازم برای ورود به عرصه نبرد علاوه بر برخورداری از یک ایدئولوژی سیاسی، و وجود تشکیلات و سازمان مجهز و منظم جنگی است (ادیبی سده، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۲). در این نوع از جنگ‌ها گرچه ممکن است غرایز طبیعی و پرخاشگری در شروع جنگ دخیل باشند؛ اما الزاماً پیش‌برنده آن نیستند. این سنخ از تفکر در باب جنگ با رویکردی جامعه‌شناسی معتقد است که اساساً جنگ و پدیده اجتناب‌ناپذیر نزاع متعلق به اجتماع و در نتیجه اجتماع گروه‌های اجتماعی است. بنابراین، این قرائت از جنگ مخالف آن است که جنگ را به امری خارج از اجتماع نسبت دهند. این نگرش از جنگ به عنوان پدیده‌ای اجتماعی یاد می‌کند که به آفرینش و خلق تاریخ می‌انجامد (بوتول، ۱۳۷۴: ۱).

در میان تلقی‌های مدرن می‌توان از رویکرد هگل به جنگ یاد کرد که جنگ را به عنوان ضرورتی ناپسند تعبیر کرده است. اما این سرآغاز تلقی‌های متفاوت و زمینی از جنگ بود؛ زیرا در رویکرد ماکیاوولی از جنگ به عنوان امری سخن آمده که به محض آنکه ضرورتش تشخیص داده شود عادلانه است. نیچه اثر جنگ را به گونه‌ای تفسیر کرده است که باعث می‌شود انسان‌ها را از دنیای اخلاقی گذشته به دنیای اخلاقی نوین انتقال یابند. او در خصوص شرایط و کیفیت جنگ بر این باور است که جنگ باید بی‌رحمانه و عاری از ترحم باشد تا نتیجه قطعی حاصل شود. به نظر نیچه آنچه که می‌توان به عنوان فضیلت‌های جنگ برشمرد عبارتند از دلاوری و خدعه، تهور و سنگدلی، هشیاری و قدرت (بوتول، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۲، و ۶۹).

تئوری‌پردازان معتقد به رویکرد مدرن در جنگ بر این باورند که جنگ‌ها، تجلی و تبلور سیاست هستند و سیاست را نباید تابع جنگ شمرد؛ زیرا عامل سیاسی خود برپادارنده جنگ است. کلاوزویتس بر این موضوع تأکید دارد که جنگ فقط ابزار سیاست

است و نه برعکس (کلاوزویتس، ۱۳۸۶: ۲۳-۳۷). از سوی دیگر، در مواجهه با جنگ با دیگری مسلمان سنی بنام عثمانی نیز شاعران عصر فتحعلی‌شاه سعی بر ارایه تفکیک‌های هویتی داشته‌اند؛ در این خصوص خاوری شیرازی مورخ شهیر به زبانی شاعرانه سعی در توجیه حقانیت ایرانیان در مقابل عثمانی از طریق تعریف تفکیک مذهبی دارد و می‌سراید: این علی دارد معین و آن عمر جوید مآب / صرفه بی‌دین را کجا اندر جدال حق‌پرست (خاوری، ۱۳۸۰: ۵۴۲)

جنگ‌های ایران- روس نقش مهمی در بازسازی هویت ایرانی و رستاخیز میراث و ذخایر فرهنگی داشت. رویارویی با نیروی دیگری دینی باعث شد که نیروهای ایرانی در بازشناسی و یادآوری عناصر تفکیک ایرانی از غیر آن، همت گمارند. مجموعه این روایات، به برجسته‌سازی و شعله‌ور شدن آتش عشق به وطن و غیرت آب و خاک در مخاطبان کمک می‌کرد و رویارویی جدی‌تری در برابر سلطه بیگانگان را ترغیب می‌نمود. تأکید بر ضرورت «اخذ هنر صنعت جنگ» از فرنگ در متون تاریخ‌نگارانه ایران دوره قاجار به دلیل آشکار شدن آثار شکست واقع‌گرایانه بر روحیه و احساسات عمومی مطرح شد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۵۱-۴۵).

نتیجه‌گیری

تلقی از جنگ به مثابه نوعی از دفاع مقدس یک پدیده منحصر به فرد است. این سنخ باور از جنگ در تعریف، پیدایش، کیفیت، طبقه‌بندی و انگیزه، بسیار متفاوت با سایر جنگ‌ها است. این نوع رویکرد دینی به جنگ از آن به مثابه یک مصاف بین حق و باطل یاد می‌کند. در این نوع از اندیشه، اساساً جنگ از بیرون بر ما تحمیل می‌شود؛ اما تحمیل جنگ، ما را وادار به تسلیم نمی‌کند؛ بلکه گروه مومنان و کنشگران جنگ با کم‌ترین ابزارهای نظامی و با توکل بر امدادهای الهی، آن را پیش می‌برند. از سوی دیگر، انگیزه مجاهدان در دفاع از ممالک اسلامی بر انگیزه‌های مادی استوار نیست؛ بلکه برای رضای الهی پا به عرصه خطر می‌گذارند که این تفکر همواره عامل غلبه و پیروزی می‌شود. کیفیت جنگ دینی، با کیفیت جنگ‌های متعارف متفاوت است، زیرا در یک طرف جبهه، رزمندگانی هستند که کم‌ترین امکانات را در برابر دشمن مجهز و متجاوز دارند. این رویکرد که با طرح موضوعات و مفاهیمی همچون جهاد تهاجمی، فتح سرزمین‌های دیگر و گسترش ایدئولوژی اسلامی در ادوار مختلف تاریخی منعکس شده و در دوره قاجار

نیز ادامه یافت که جنگ‌های ایران و روس با رویکرد جهاد دفاعی در سطح وسیعی مورد توجه مورخان، شاعران و علمای دین قرار گرفت. اما به تدریج و در نتیجه رشد مواجهه با دنیای جدید، دچار تزلزل در مبانی گردید. تلقی از جنگ، واقعی‌تر و زمینی شد و مفاهیم کیان اسلامی و سرزمین مسلمانان جای خود را ادبیات و ذهنیت عامه کنشگران سیاسی و فکری به مفاهیمی همچون وطن ملی و میهن واگذار کردند. این امور به معنای روند حرکت از تلقی دینی از جنگ‌ها به سوی جایگزینی و رشد رویکرد واقع‌گرایانه و زمینی از جنگ قابل تفسیر است. از جهت دیگر، نیاز مبرم جامعه ایران به پشتوانه فکری در برابر تهاجمات روسیه تزاری نقش مهمی در گذار ادبیات درباری و پرتکلف به سوی تغییر در ماهیت و محتوای موضوعات و مسائل مورد بررسی‌اش به نفع جامعه ایران داشت. این مسأله در تواریخ و ادبیات نثر به خوبی نشان داده شده که متون از وابستگی به دربار فاصله گرفته و مقدمات فهم متفاوتی را برای جامعه به ارمغان آوردند.

فهرست منابع و مأخذ

- ادیب‌الممالک فراهانی، میرزاصادق (بی‌تا). *دیوان ادیب‌الممالک*، به کوشش وحید دستگردی، بی‌جا.
- ادیبی سده، مهدی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: سمت.
- امین، احمد (۱۳۳۷). *پرتو اسلام*، ترجمه عباس خلیلی، تهران: بی‌نا.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، علمی و فرهنگی.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۷۱). *ادبیات در جنگ‌های ایران و روس*، تهران، حوزه هنری.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۹۲). *خاستگاه تاریخی ایل قاجار*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- توکلی طرقي، محمد (۱۳۸۲). *تجدد بومی و بازانديسي تاريخ*، تهران: نشر تاريخ ايران.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- خاقانی، افضل‌الدین (۱۳۷۵). *دیوان اشعار*، به اهتمام جلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). *چیستان قاجار: بازنمایی هویت در گزارش‌های تاریخی*، مشهد: مرن‌دیز.
- دنبلی، عبدالرزاق بیک (۱۳۵۱). *مآثر سلطانیه*، به کوشش غلامحسین صدری افشار، تهران: ابن سینا.
- _____ (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه (تاریخ جنگهای اول ایران و روس) به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- رحمانیان، داریوش و حاتمی، زهرا (۱۳۹۶). *پنج رساله سیاسی از دوره قاجاریه*، تهران: نشر علم.
- رستم‌الحکما، محمدهاشم آصف (۱۳۸۲). *رستم‌التواریخ*، به تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- _____ (بی‌تا). *دستوری‌نامه فیروزی*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۹۳۱۷.
- ساروی، محمد تقی (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- شیرازی، وصال (۱۳۷۸). *دیوان کامل*، به تصحیح محمود طاوسی، شیراز: نوید شیراز.
- صبای کاشانی، فتحعلی‌خان (۱۳۴۱). *دیوان اشعار*، به اهتمام محمدعلی نجاتی، تهران: اقبال.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *شاهنامه*، پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران: سخن.
- فتحعلی‌شاه قاجار (۱۳۷۰). *دیوان کامل اشعار*، به اهتمام حسن گل محمدی، تهران: اطلس.
- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۳). *منشآت*، تهران: شرق.
- _____ (۱۳۶۶). *دیوان اشعار به انضمام مثنوی جلایرنامه*، به کوشش بدرالدین یغمایی، تهران: شرق.
- قائم مقام، میرزاعیسی (۱۳۸۰). *احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد*، تصحیح و مقدمه غلامحسین زرگری نژاد، تهران: بقیعه.
- کلاوزویتس، کارل فون (۱۳۸۶). *در باب جنگ: کتاب اول ماهیت جنگ*، ترجمه حسن پروان، ویراستار حسن درگاهی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- کندلی، غفار (۱۳۷۴). *خاقانی شیروانی؛ حیات، زمان و محیط او*، ترجمه میرهدایت حصاری، تهران: نشر دانشگاهی.
- میرکیایی، مهدی (۱۳۹۶). *باغ پریشان (هویت ایرانی در شعر عصر قاجار)*، تهران: نشر علم.

اندیشه دفاعی ایرانیان در مواجهه با جنگ مدرن... | ۴۵

- نشاط اصفهانی، عبدالوهاب (۱۳۷۹). دیوان نشاط اصفهانی، به تصحیح حسین نخعی، تهران: گل آرا.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۴). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: اهورا.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵). تاریخ روضه الصفای ناصری، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

Iranians' Defensive Idea When Confronting Modern Warfare (1218-1243 AH)

*Mohammad Amir Ahmadzadeh**

Abstract

Iran faced a defensive position when confronting the devastating Russian tsarist battles. The present study aims to analyze the reasons of the formation of defensive idea and its dimensions in the narrations of intellectual agents (historians, poets, theologians) living in Fath-Ali Shah's era. The results of this study, that used a historical analysis method, show that reminding readers of vivid memories or archetypes belonging to Iranian territorial models happened in order to expand this honorable historical past and in order to fight decadence and to go past crises, which would both raise the readers' awareness toward external threats and reproduce country-religious symbols, with the intention of emphasizing the necessity of defending the boundaries and borders. This type of multi-faceted actions foregrounded historical awareness-raising as a social praxis in critical situations and as a central signified element in the defensive idea. As a result, numerous cases of religious symbols were integrated in the war against archetypes and everyday realities. Representing a mythical view, historical models, hero-centeredness, using and referring to sacred religious texts, depicting sublime human goals of the Islamic troops each reflect part of dimensions of the defensive idea dealt with and reflected by knowledge sources.

Keywords: defensive idea, modern warfare, historiography, the era of Fath-Ali Shah

* Assistant Professor, Institute for Humanities and cultural Studies, Tehran, Iran; Email: m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir
| Received: November 28, 2018; Accepted: May 13, 2019|